

وطن دیگ نیست

درباره رویکرد تندروها
به جشنواره جهانی فجر



علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

یکی از بدترین میراث ما در ضرب المثل و حتی در زبان فارسی، این مثل معسوف و کریه «دیگی که برای من نجوشه، می خوام سر سگ نوش بجوشه» است: ترجمان خودخواهی مطلق که انگار گوینده، مرکز عالم است و تنها آدمی که در این عالم مهم است. زبان، تجلی مردمان است؛ ناخودآگاه را هویدا می کند، چه ناخودآگاه فرد و چه ناخودآگاه جمعی را. حیات این سخن نانجیب در طول تاریخ نیز نشان از این دارد که این کلام کار می کند و کسان زیادی آن را پاسداری کرده اند تا به امروز رسیده است؛ کسانی که به این سخن باور داشته اند، این ها خار گلستان میراث زبانی ما هستند. هیچ ماترکی یکسره خیر و خوبی نیست و برای همین سنت رانه یکسره باید کنار گذاشت و نه تمامی آن را بی هیچ چون و چرایی قبول کرد.

باری، متأسفانه این ماترک نه در زبان و نه در کردار از ما جداشدنی نیست. فارغ از تجربه های فردی و شخصی، در سطح ملی هم خیلی اوقات این رفتار مثل شلاقی بر گردمان فرود می آید. کاش لافاقل مثل این ضرب المثل، همیشه صراحت در میان بود. خیلی اوقات این رویکرد خودخواهانه با شمایل دیگر خواهانه و خیر خواهانه بستنبندی و به ما عرضه می شود.

دنبش اختتامیه جشنواره جهانی فجر بود و احتمالاً ختمی باشد بر گفتار و رفتارهایی که مصداق داستان «دیگ و سر سگ» بودند و با شمایل روشنفکری از بعین و یسار پدیدار می شدند. درست است که از جشنواره جهانی فجر فقط نامی مانده است. درست است که این جشنواره مثل طفلی تنیم هر روز آواره یک گوشه است؛ یک روز در جشنواره داخلی ادغام می شود، چند سال جدا می شود، یک بار هیچ کس نمی خواهدش و این بار هم به شهری دیگر فرستاده می شود. همه این ها هست و بیشتر از این ها هم. هزاران نقد به همین جشنواره وجود دارد که از چشم کسی هم پنهان نیست. بسیاری هم با رویکردی متصفانه به این مسائل پرداختند. مثلاً این که چرا دختر آقای بازیگر و خانم تدوینگر باید مجلس آرای همه جشنواره ها باشند و برای منتقدان و دعوتشان به جشنواره بودجه ای وجود نداشته باشد؟ به انتخاب فیلم ها، داوران و همه بالا و پایین جشنواره حتماً نقد وجود دارد؛ مثل هر جشنواره دیگری. اما دو گروه حتی پیش از شروع جشنواره شمشیر به دست گرفته بودند و به جان سینما و ایران افتاده بودند؛ آن هایی که می خواستند دیگی که به خیال خودشان برای آن ها نمی جوشد، سر سگ در آن بجوشد.

آن یکی از خارج، نامه جمع می کند و به نوری بیلگه جیلان هشدار می دهد که چرا می خواهی به ایران بروی؟ آن یکی در خبرگزاری هایی که با پول مردم سرپا هستند، حتی پیش از شروع جشنواره چنان به آن می تازد که انگار جشن مغول ها بعد از حمله به ایران است. به جشنواره ای که بعد از جنگ، اسنپک و در منزوی ترین حالت ایران، می تازد که چرا هر چند کمزور اما چراغش هنوز روشن است. این که تندرویان دو سر طیف، اغلب در عمل به یکدیگر می رسند، دیگر جای تعجب ندارد. تندروی جایی برای دیگر خواهی نمی گذارد. آن ها وطن را چون دیگی می بینند که هروقت برای آن ها بارش بر آتش بود، سر سگ را نباید دروش انداخت و هروقت که خیال کردند برای دیگری می جوشد، سر سگ که خوب است، حاضرند هیزم از زیر همان دیگ بردارند و همه چیز را به آتش بکشند. آن منتقدی که جیلان را از رفتن به وطن سابقش بر حذر می دارد آن قدر باهوش است که بداند جیلان و هر نام بزرگ دیگری، چه به ایران بروند چه نروند، در مناسبات بین الملل با ماتاثری نخواهد داشت. نظم این نظام اگر بر این حرف ها استوار بود که ترامپ برای بن سلمان، قصاب خاشقچی، کل آمریکا را فرش قرمز پهن نمی کرد. مسئله این است که برای آن ها این وطن دیگر وطن نیست؛ آن ها از این وضعیت ارتزاق می کنند. از قضا اگر روزی ایران چنان شود که جیلان در جواب نامه شان گفت، روزی که جشنواره ایران دوباره جایی شود که آنجولوپوس ها با جیلان ها آشنا می شوند، آن وقت دیگر آقای منتقد کار و باری برای انجام دادن ندارد. جز وطن، آن ها به سینما هم نمی اندیشند. تهیه کننده آن نامه می داند که شور و شوق این جشنواره ها نه میان اهالی سیاست و مسئولان، که میان سینماگران و دوستدارانش است. می داند برای ساختن سیاسی ما بود و نبود جیلان اصلاً اهمیتی ندارد، ولی برای آن عاشق سینما که از همین وطن منزوی جای دیگری ندارد، دیدن جیلان و امثال او چه نوری در دلش زنده نگه می دارد. اما بدتر از آن منتقد، رویکرد آن داخل نشینانی اند که چون این بار جشنواره دست خودشان نیست یا چون خودشان حضور ندارند، اگر دستشان می رسید مهمان خارجی را هم با سنگ و چوب می زدند تا جشنواره کمسوتر شود. ای کاش روزی همه ممان وطن را چون «دیگ» نبینیم؛ بفهمیم این روزها و آدم هایش رفتنی اند و وطن باید بماند برای دیگرانی، و سینمایی بماند که با نام این وطن پیوندی داشته باشد.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



این جادوگری های بی ارج

درباره توهین به هویت ملی در برنامه «بازمانده»



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

در روزهای اخیر انتشار تصویری از پرتاب کیسه های شنی به یازلی که در دو طرف آن نماد مشهور شیر دال و در قلب آن، درفش کابوایی قرار دارد، موجی از اعتراض ها را به سازندگان برنامه «بازمانده»، به خصوص دو بازیگر و برنامه ساز مشهور، مهران غفوریان و سیامک انصاری پدید آورده است و بسیاری از مردم معترض این پرسش را مکرر می پرسند که چه لزومی دارد رقابت کنندگان در یک برنامه سرگرمی، نمادهای ملی ایرانی را مورد اصابت قرار دهند. چنین عملی- آن هم در حالی که در ماه های اخیر توجه به میراث ملی حتی در میان نهادهای دولتی روزافزون بوده است و برای نمونه، شهرداری تهران پس از نصب تندیس آرش کمانگیر، چندی پیش از مجسمه شاپور ساسانی نیز در میدان انقلاب رومایی کرد- تردیدبرانگیز است و این ظن را بر می انگیزد که نیت و هدف برنامه سازان را بدانند تا شاید دریابد چنین کج سلیقه ای آشکاری، ریشه در چه تحلیلی دارد و در پی نیل به چه مقصودی است؟ مهم تر از این، البته توجه به حساسیت گسترده و معناداری که مردم به نمادهای ملی و ایرانی دارند و آن را بدون تعارف و بی محامله به اشتراک می گذارند، نیازمند درکی تاریخی و جامعه شناسختی به مقوله هویت ملی در ایران است.

غفوریان و انصاری باختند

برنامه «بازمانده» که پخش آن از ۲۲ آبان ماه در سکویی بنام «بازمانده بین» آغاز شده بود، اقتباسی است از نمونه خارجی مسابقه های نجات (Survivor) و در آن شرکت کنندگان در محیطی شبیه جزیره با منابع محدود آب و غذا، باید از پس حل چالش هایی دشوار برآیند. در پایان هر قسمت هم فقط یک نفر که موفق به مدیریت منابع شده است، به عنوان برنده اعلام می شود. در این میان تخمین سازندگان برنامه این بوده است که حضور مجری هایی همچون غفوریان و انصاری می تواند جنس برنامه را جور کند و بینندگان علاوه بر سرگرمی، خنده ای هم بر لب می نشانند. نتیجه اما با چنین خطای فاحشی، نه فقط کلیت برنامه را زیر سوال برده است، بلکه حتی به شهرت این دو بازیگر سابقه دار حوزه طنز و کمدی ایران نیز آسیب زده است؛ به نحوی که کم نیستند کاربرانی و کسانی که گفته اند، بازنده اصلی این برنامه کسی نیست، جز این دوتنر.

توقیف باز مانده و بازمانده بین

در میانه همه حدس و گمان ها درباره چرایی چنین سناریویی، دیروز انتشار خبری جدید در این زمینه، تردیدها را بیش از پیش برانگیخت. خبر این بود که فعالیت سکوی پخش «بازمانده بین» پس از انتشار بخش هایی از مسابقه «بازمانده»، بدون اخذ مجوزهای لازم و در پی طرح مواردی درباره «توهین به نمادهای ملی و میهنی»، متوقف شده است. طبق توضیخی که روابط عمومی سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) اعلام کرده، این اقدام در ادامه پیگیری حقوقی و با هدف «رعایت حقوق مخاطبان»، «صیانت از نمادهای ملی» و الزام سکوها به تبعیت از مقررات رسمی انجام شده است. این در حالی است که چندروز پیش عباس سیاح طاهری (معاون کاربران و تنظیم گری اجتماعی ساترا) در شبکه اجتماعی خود درباره وضعیت حقوقی این پروژه توضیح داده و مدعی شده بود که «طرح» مسابقه «بازمانده» مجوز مشروط به اصلاح داشته، اما این مجوز در مردادماه ۱۴۰۳ منقضی شده و در وضعیت فعلی «مجوز تولید» و «مجوز انتشار» نداشته است؛ بنابراین پخش این رتالیتی شو مشمول پیگرد قانونی خواهد شد. پرسشی که اینجا پیش می آید، این است که چرا قبل از اینکه اعتراض ها به این برنامه زیاد شود،

خبری از این نبود مجوزها و نظارت ها نبوده است و اصلاً اگر این اعتراض ها به وقوع نمی پیوست، باز چنین تصمیمی برای سکوپرو برنامه اتخاذ می شد؟ در کنار این مورد، نکته حقوقی دیگری که در این زمینه مطرح می شود این است که بر اساس چار چوب های ساترا، پلتفرم های دارای مجوز VOD سطح یک، امکان پخش «محتوای تولیدی» را ندارند و فقط می توانند به بازنشر محتوای داخلی یا خارجی بپردازند. طبق همین قاعده، انتشار برنامه های تولیدی نیازمند مجوز سطح دو است؛ مجوزی که گفته می شود سکوی «بازمانده بین» در زمان انتشار برنامه «بازمانده» نداشته است.

شیر دال های نگاهبان راستی

«شیر دال» که در فارسی میانه بنام «یشکوج» هم نامیده شده است، موجودی افسانه ای با تن شیر و سر عقاب (دال) است که گوش هایی شبیه به اسب دارد و نماد قدرت، نور و شکوه به حساب می آمده است. از جمله مشهورترین نمونه های بازمانده از این موجود افسانه ای، همان سرستون های معروف هخامنشی است که بسیاری از مردم آنها را در تخت جمشید به تماشا نشسته اند و حتی برخی را به بیاد نماد هوپامای «هما» می اندازد. شاید چنین تباد ذهن هایی نیز این گونه خشم عمومی را برانگیخت. هخامنشیان شیردال را نگاهبان راستی و درستی در برابر اهریمن، جادو و دروغ می دانستند و حتی برخی بر این گمانند که سیمرغ در ادبیات فارسی، بازآفرینی شیردال است. اینک با چنین سابقه ای بنگرید که چنین رفتاری در ذهنیت جمعی و تاریخی ایرانیان، چه وضعیتی ایجاد می کند.

درفشی برای آزادمنشی و استبدادستیزی

در کنار این، نماد درفش کابوایی نیز در تاریخ ایران اهمیت زیادی دارد و پرچم اسطوره ای و تاریخی ایران از پادشاهی پیشدادی تا پادشاهی کیانی بوده است. آنطور که دروسی در شاهنامه روایت کرده است، این درفش با خیزش کاوه آهنگر در برابر زحاک و آغاز پادشاهی فریدون پدید آمده است؛ وقتی که کاوه در برابر زحاک شورید، پیش بند چرمی آهنگری خود را بر نیزه چوبی کرد و در جلوی مردم قرار گرفت تا آنها را هدایت کند. پس از پیروزی، همین درفش با افزودن جواهراتی، بدل به پرچم ایرانیان شد. از نظر برخی پژوهشگران، این پرچم در دوره های تاریخی ایران همچون شاهنشاهی هخامنشی و اشکانی نیز پرچم ملی ایران بوده است. منابع دیگر نیز نشان می دهد، این درفش در شاهنشاهی ساسانی، پرچم رسمی ساسانیان بوده و از آن در جنگ ها نیز استفاده می شد. در نبرد قادسیه این درفش به دست مهاجمان افتاد، جواهراتش به غارت رفت و آب آتش کشیده شد.

با این همه درفش کابوایی همواره در میان ایرانیان، نشانه ای بوده است از روحیه عدالت خواهی، آزادمنشی و استبدادستیزی و به قدر در دوران استیلای خلفای بنی عباس نیز حکمرانان ایرانی، بدان استناد می کردند تا استقلال خود را از بیگانه گان به نمایش بگذارند. برای نمونه، یعقوب لیث صفاری که می کشید شکوه و جلال ایران باستان را احیا کند، زمانی شعری برای خلیفه عباسی فرستاد و در آن گفت: «درفش کابوایی (عَلَم الکلبیان) همراه من است و امیدوارم که زیر سایه آن بر ملت ها فرمانروایی کنم».

با این تفاسیر چنین رفتارها و برنامه هایی را- چه بدون نیتی خاص بوده باشد، چه با نیت تخریب هویت ملی ایرانی- باید بیهوده کاری و آب در هاون کوفتن دانست. فرهنگ ایرانی، مهاجمان خونریز و مسلط اش را در طول تاریخ، اهلی فرهنگ صلح طلبانه خود کرده است و با این برنامه یا دلفک بازی های فلان کمبدین درباره شاهنامه، خللی در تداوم خود آگاهی ملی ایرانیان ایجاد نخواهد شد، حتی شاید بشود گفت، چنین جادوگری ها و بی هنری هایی، شاید بیشتر افکار عمومی را در زمینه پاسداشت هویت ایرانی آگاه کند و توفیقی اجباری برای ملتی بشود که در دهه های اخیر، کم نااحتی ندیده است از این بی احترامی ها.

رخداد فناوری

کرمان، پشتاز اقتصاد فناوری محور می شود

با حضور وزیر ارتباطات ۳۴۷ پروژه ارتباطی در استان کرمان به بهره برداری رسید

گروه فناوری: استان کرمان را از قدیم، به معادن معدنی غنی اش و صنایع و موقعیت جغرافیایی خاص اش می شناسیم. ظرفیتی که دهه ها ست در خدمت توسعه کشور قرار دارد. وزارت ارتباطات دولت چهاردهم می خواهد این سرمایه ها را فناوری محور کنند تا کرمان، قطب هوشمندسازی صنایع کشور شود و سهم اقتصاد دیجیتال آن افزایش یابد. برای همین منظور ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و جمعی از مسئولان دولتی به کرمان رفته اند تا ۳۴۷ پروژه ارتباطی را افتتاح کنند؛ پروژه هایی که برای ساختن اعتباری بیشتر از ۱۹ هزار و ۲۲۲ میلیارد ریال هزینه شده است. ستار هاشمی در جلسه شورای اداری کرمان، درباره جایگاه راهبردی استان کرمان در اقتصاد فناوری محور کشور صحبت کرد. در این جلسه که محمدعلی طالبی، استاندار و مدیران استانی نیز حضور داشتند، هاشمی رویکرد دولت چهاردهم در توسعه زیرساخت های ارتباطی، هوشمندسازی صنایع و تحقق سهم ۱۰ درصدی اقتصاد دیجیتال را شرح داد. او به تکلیف برنامه هفتم توسعه برای دستیابی به رشد ۱۰ درصدی حوزه اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی اشاره کرد و گفت، برای تحقق این هدف به سرمایه گذاری ۲۰ میلیارد دلاری نیاز است و استان کرمان می تواند یکی از محورهای اصلی این تحول باشد. وزیر ارتباطات با اشاره به افتتاح پروژه های ارتباطی گفت: «از هفته دولت تاکنون، ۳۴۷ پروژه در حوزه ارتباطات استان با اعتباری معادل ۱۹ هزار میلیارد ریال به بهره برداری رسیده است.» وزیر ارتباطات مجتمع ارتباطات و فناوری اطلاعات کرمان را یکی از مهم ترین پروژه های سفر خود عنوان کرد و افزود که این مجتمع می تواند به مرکز فرماندهی اقتصاد دیجیتال استان و بازوی توانمند ملی و بین المللی تبدیل شود. او با تأکید بر شتاب در مهاجرت از سیم مسی به فیبر نوری گفت، این پروژه برای نخستین بار پس از نزدیک به یک قرن در دستور کار دولت قرار گرفته و زیرساخت اصلی تحول دیجیتال محسوب می شود. کرمان از جمله استان های پیشرو در اجرای این طرح است و سازمان تنظیم مقررات مأموریت دارد، روند اجرای آن را با سرعت ویژه دنبال کند. هاشمی به توسعه نسل پنجم تلفن همراه نیز اشاره کرد و گفت، با واگذاری فرکانس ها به اپراتورها، سرعت پیاپی سازی این فناوری در استان افزایش می یابد. وزیر ارتباطات به توسعه ارتباطات روستایی اشاره کرد و آن را تکلیف حکمیتی خواند و گفت که تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار، تا پایان برنامه هفتم موظف به برخورداری از خدمات ارتباطی هستند. هاشمی، عملکرد کرمان در پروژه «جی نف» و استانداردسازی نشانی مکان محور را پیشرو دانست و تأکید کرد که کدپستی مکان محور، رکن هویت بخشی به مکان ها ست و بدون آن مدیریت انرژی، آب، خدمات شهری و حکمرانی داده محور ممکن نیست. او همچنین به رشد تولید محتوا و توسعه زیست بوم هوش مصنوعی در استان اشاره کرد و از مأموریت پارک فاوا برای گسترش این حوزه خبر داد. پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم هوش مصنوعی با محوریت کرمان می تواند، هم اشتغال پایدار ایجاد کند، هم مسیر هوشمندسازی صنایع را تسریع نماید. وزیر ارتباطات تأکید کرد که تکیه هوشمندانه بر بخش خصوصی، بهره وری را بهبود می بخشد و ظرفیت نخبگان استان را فعال نگه می دارد. طرح های زیرساختی ارتباطی و دیجیتال به بهره برداری رسیده، در حوزه های توسعه ارتباطات روستایی، فیبر نوری، تلفن همراه، پست، زیرساخت های فناوری اطلاعات و خدمات بانکی دیجیتال است. طرح هایی که هدفشان کاهش شکاف دیجیتال، ارتقای کیفیت خدمات و تقویت زیرساخت های اقتصاد دیجیتال است. در بخش توسعه ارتباطات روستایی، ۹۶ پروژه با سرمایه گذاری ۳۳۱۰ میلیارد ریال اجرا شده است. این طرح ها شامل اجرای ۴۹۰ کیلومتر فیبر نوری روستایی (تار)، اتصال ۵۰ سایت تلفن همراه، فراهم سازی اتصال ۱۰ مرکز مخابراتی روستایی، برقراری اینترنت در ۵۶ روستا از طریق ۲۲ ایستگاه تلفن همراه و ارتقای فناوری ۱۲ سایت است؛ اقداماتی که موجب گسترش پوشش ارتباطی در مناطق کمتر برخوردار و کاهش شکاف دیجیتال شده است. شرکت مخابرات ایران نیز با اجرای ۱۳ پروژه و سرمایه گذاری ۳۴۸ میلیارد ریال، شبکه ثابت و فیبر نوری استان را توسعه داده است. از جمله اقدامات این شرکت می توان به نصب سوئیچ NGN در شهر کرمان، اجرای ۲۵ کیلومتر فیبر نوری، راه اندازی ۵۰ لینک انتقال PTN، توسعه شبکه IPNI و ایجاد مرکز کنترل عملیات برای مدیریت یکپارچه شبکه اشاره کرد. در حوزه شبکه تلفن همراه، شرکت ارتباطات سیار ایران با ۱۹۴ پروژه و اعتباری بالغ بر ۷۹۷۲۰ میلیارد ریال، تجهیزات شبکه همراه را بهینه سازی کرد که شامل راه اندازی و ارتقای فناوری ۱۹۱ ایستگاه شهری، ایجاد ۴۴ سایت جدید، ارتقای ۸۶ سایت، تعویض ۲۲ دکل، انجام ۳۹ پروژه TD-LTE و راه اندازی یک سایت نسل پنجم (۵G) است. شرکت ایرانسل نیز با ۳۷ پروژه و سرمایه گذاری ۲۲۵۷ میلیارد ریالی، ۳۶ سایت جدید و یک سایت ۵G در کرمان راه اندازی کرد. در بخش پستی، سه روزی شامل افتتاح ناحیه دوم پستی رفسنجان، باجه پستی رمشک و واحد پستی شفیق آباد با سرمایه گذاری ۲/۸۵ میلیارد ریال به بهره برداری رسید. همچنین پست بانک ایران با پروژه ای ۳۰ میلیارد ریالی در منطقه ویژه اقتصادی آرگ جدید، دسترسی واحدهای صنعتی و تجاری به خدمات بانکی دیجیتال را تسهیل کرد. در حوزه توسعه خدمات فیبر نوری، شرکت های وب با سرمایه گذاری ۳۶۸۲ میلیارد ریال، ۵۱۶ کیلومتر فیبر نوری منازل و کسب و کارهای شهر بم را افتتاح کرد. در زیرساخت های وزارت ارتباطات نیز مجتمع ارتباطات و فناوری اطلاعات استان کرمان و نیروگاه خورشیدی ۶۸/۸ کیلووات با سرمایه گذاری ۱۶۲۰ میلیارد ریال راه اندازی شد. مجموع این طرح ها، با اعتباری بالغ بر ۱۹ هزار و ۲۲۲/۲۵ میلیارد ریال، گامی مهم در توسعه عدالت ارتباطی، تقویت زیرساخت های دیجیتال و تحقق اهداف دولت چهاردهم در حوزه اقتصاد دیجیتال استان کرمان محسوب می شوند.

